

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد هارون خیل شعشی

۱۴ می ۲۰۱۲

مخالفت با حضور نیرو های امریکائی، به هیچ وجه حمایت از موضعگیری آخوند های ایرانی و نظامیگران پاکستانی نیست

در این روز ها مزدوران و جیره خواران گوناگون نیروهای متجاوز استعماری، عکس العمل سفیر رژیم فرتوت و عقب گرای آخوند های ایرانی در کابل را بهانه قرار داده؛ و در توجیه اسارتنامه تحمیل شده استعمارگران امریکائی موسوم به «توافقتنامه ستراتیژیک» عریده کشی می کنند.

شکی نیست، که رژیم توسعه طلب و فتنه انگیز آخوندی ایران در امور داخلی میهن عزیز ما، افغانستان، بی شرمانه مداخله می کند؛ و تاریخ همچو مداخلات نه به دیروز و پریروز، بلکه سی و دو سال قبل بر می گردد. سردمداران رژیم مکار و منافق ایرانی، خواب احیای امپراتوری های هخامنشی ها و ساسانی ها و صفوی ها را می بینند؛ در حالی که حماسه ها و جانفشانی های افغانان سلحشور و آزاده را در ادوار مختلف تاریخی، به باد فراموشی سپرده اند.

حکمرانان پاکستانی، به خصوص نظامیگران عظمت طلب آن نیز از بدو تأسیس این کشور تا حال در مسایل اندرونی ما از هیچ گونه مداخله سیری و آشکار دست بردار نبوده اند. دستیابی به عمق ستراتیژیک، کسب حمایت دولت پوشالی و سایر نیروهای بنیادگرای افغانستان در جنگ انتقام جویانه علیه هندوستان، به دست آوردن منابع زیر زمینی و بالاخره تسلط بر بازار های اقتصادی افغانستان و آسیای میانه، از اهداف سیاه و شیطانی است که رژیم های حاکم بر اسلام آباد همواره جهت تطبیق آن، مذبحخانه تلاش ورزیده اند. بی نیاز از اثبات است، که مداخلات هر دو کشور پاکستان و ایران در امور داخلی ما با سیطره مزدوران گوش به فرمان شان بر تخت کابل، بیش از پیش فزونی یافته است .

از یک نگاه مختصر و گذرا به ارگان های دولتی و مؤسسات سیاسی کشور، با آسانی در می یابیم، که از کزری تا به اصطلاح همکاران و حریفان سیاسی اش در حکومت، پارلمان و یا خارج از آن، همه و همه در خدمت

بیگانگان مغرض و فتنه جو قرار دارند. رژیم آخوندی ایران به کززی و دار و دسته، رهبران وفادار گروه های جنگی و جاسوسان و مزدوران گوناگون خویش کیسه های یورو و دالر می دهد تا بدین وسیله در مراکز مهم و خطیر قدرت سیاسی مملکت ما رخنه کرده، در تصمیم گیری های ارزشمند ملی و وطنی ما وقیحانه دست درازی نمایند؛ اما حکومت مزدور، فاسد و بی کفایت کززی با درک این همه حقایق آشکار، هیچ گاه خم به آبرو نمی کشد؛ چه از یکسو با تحویل گیری پیه و منظم کیسه های یورو و دالر از مقامات رژیم ایرانی بر چشم و گوش و زبان و وجدانش مهر زده شده؛ و از سوی دیگر به نیکوئی درک می کند، که اتخاذ اقدامات جدی علیه دسایس ضد ملی و ضد میهنی مزدوران و جاسوسان رژیم آخوندی ایران، نظامیان پاکستانی، رژیم های مرتجع عربی و دول غربی، معنای بازی با زندگی شخصی و اقتدار سیاسی اش خواهد داشت.

برخورد شرم آور و غیر انسانی فرمانروایان رژیم آخوندی در برابر مهاجران افغان، اعدام های غیرقانونی هموطنان بی گناه مابه بهانه قاچاق مواد مخدر، توقف بی شرمانه تانکر های تاجران افغان و تهاجم مذهبی - فرهنگی رژیم ایران در کشور ما، همه و همه واقیعت های روشنی است، که با آسانی از دفتر خاطرات هموطنان داغدار و رنجیده ما فراموش نخواهد شد؛ اما سوال اینجاست، که رژیم دست نشانده کززی و گروه های نامنهاد اپوزیسیون او به رهبری جنایتکاران و مزدوران بدنامی چون عبدالله عبدالله، یونس قانونی، ضیاء مسعود، امرالله صالح، رشید دوستم، حاجی محمد محقق و غیره وطنفروشان برای دفع چنین مداخلات وقیحانه مقامات ایرانی، چه کرده اند؟! آیا همه از یک سر با انواع و اشکال متفاوت، همواره آله دست این گونه مداخلات و تهاجمات خاینانه رژیم مداخله گر ایرانی نبوده اند؟!

مداخلات و تجاوزات وحشیانه نظامیگران پاکستانی نیز بر هیچ افغان آگاه و دراک مپوشیده نیست. هموطنان ما خوب به خاطر دارند، که نظامیان پاکستانی در تابستان سال گذشته برای خوشنود ساختن بادران امریکائی شان، ضمن عملیات وسیع و منظم نظامی، برخی از مناطق شرقی و جنوبی کشور ما را آماج توپخانه و سایر اسلحه ثقیله قرار دادند، ولی باوجود آن هم نه رژیم مزدور و بی کفایت کززی و نه هم بادران امریکائی و ائتلافی اش، به منظور دفاع از تمامیت ارضی و نوامیس ملی ما، کوچکترین اقدامی اتخاذ کردند. خانه جنگ زده و برباد رفته ما در اثر معامله گری های همین جنایتکاران و وطنفروشان فرومایه، به بستر منازعات و تصادمات کشور های منطقه و جهان مبدل گشته است. البته نیروهای امریکائی مستقر در افغانستان خود برای مداخلات کشور های همسایه و سایر بیگانگان زمینه سازی نموده تا بدین وسیله حضور دایمی خویش را موجه جلوه داده؛ و خود زمینه مداخله را در امور داخلی کشور های همسایه و منطقه به دست آورد .

چنانکه بار ها اشاره نموده ام، مخالفت من و سایر هموطنان آزاده و سربلندما با اسارتنامه ننگین امریکائی، صرف و صرف به خاطر صیانت از منافع و مصالح علیای ملی این خانه مشترک تاریخی بوده است، که خوشبختانه با منافع همسایگان و سایر کشور های جهان نیز همآهنگی و سازگاری کامل دارد؛ و این امریست که در منشور سازمان ملل متحد و سایر نورم های حقوق بین الملل معاصر، با صراحت تسجیل یافته است. مخالفت با حضور دراز مدت نیروهای امریکائی در مملکت ما دلایل تاریخی و عملی دارد . تاریخ شکوهمند و پر افتخار مردم ما با صراحت نشان می دهد، که خون و روح افغانان آزاده هرگز با حضور تفنگداران بیگانه جور در نمی آید . اگر پدران و نیاکان غیور و پر غرور ما سلطه مهاجمان و غاصبان اجنبی را تحمل می توانستند، هیچ گاه علیه کوروش و سکندر و چنگیز و مغول و انگرېز دست به مبارزات و مقاومت های خونین نمی زدند . به همین روال، هرگاه اشغال و اسارت و غلامی را قبول می داشتیم، قطعاً به جنگ نابرابر با اشغالگران روسی توسل نمی جستیم.

از اینرو با جرأت می توان گفت، که آزادی، وطندوستی و ناموس داری خصلت گسست ناپذیر همه مردمان این سرزمین است. جز مشتی از جنایتکاران و مزدوران و شرف باختگان، کافه ملت دلاور و حماسه آفرین افغان اعم از پښتون و تاجک و هزاره و ازبیک و نورستانی و پشه ئی و بلوچ و ایماق و هندو و سیک و سایر اقوام با هم برادر وطن عزیز در این احساس شریف و والا با هم شریک اند. از جانب دیگر، حضور عساکر خارجی طی ده سال گذشته، کوچکترین کمک به تأمین صلح و ثبات در افغانستان و منطقه ننموده و در آینده نیز نخواهد نمود. بنابراین، از آنچه به خیر صلح، امنیت، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و استقلال سیاسی کشور ما نیست، به هیچ عنوان نباید حمایت کرد.

به منظور رهایی از مداخلات و تجاوزات بی شرمانه رژیم آخوندی ایران، نظامیگران پاکستانی، ارتجاع عرب و سایر کشور های دور و نزدیک منطقه نمی توان سرنوشت مردم و کشور عزیز را به کام هیولای بزرگ استعماری انداخت. ریکارد ده سال اشغال و تجاوز به خودی خود گویای همه حقایق است. نیروهای اشغالگر امریکائی در طول این همه مدت برای مردم بیچاره و درد دیده ما جز خون، اشک، ماتم، بی عزتی، اسارت، ظلم، فساد، حق تلفی و ناامیدی به آرمغان نیاورده اند. وقتی یکصد و پنجاه هزار نیروی ملیس به یونیفورم نظامی و حدود یکصد هزار نیروی اجیر و قراردادی موسوم به شرکت های امنیتی و استخباراتی و تدارکاتی و غیره قادر به تأمین امنیت و دفع مداخلات خارجی نگردید، حضور بیست - سی هزار عسکر امریکائی به تنهایی خود چه معجزه ای برپا خواهد ساخت؟!!

هموطنان هوشیار و بافراست ما آگاه اند، که عساکر امریکائی نه قبلاً برای تأمین صلح و امنیت ما به اینجا آمده بودند و نه از این به بعد به منظور دفاع از تمامیت ارضی، استقلال سیاسی، حاکمیت ملی و استقرار نظام عادلانه در کشورکاری از پیش خواهند برد. هدف اصلی و اساسی آنان در واقع پیشبرد نقشه های بزرگ استعماری در افغانستان و منطقه می باشد، که برای بر آورده ساختن آن با زندگی هزاران تن از نظامیان خویش بازی نموده؛ میلیارد ها دالر خسارات مالی متقبل گردیده؛ و در مخالفت شدید با افکار عامه مردم صلحدوست جهان قرار گرفته اند.

حضور نیروهای امریکائی از اول تا اخیر یک تشبث ناکام و فاجعه بار به حساب می آید. جنایات اخیر جنگی و ضد بشری نیروهای خودکامه امریکائی علیه هموطنان مظلوم و بی دفاع ما اعم از کودکان، زنان و موسفیدان در هلمند و بادغیس نمایانگر آنست، که حضور اشغالگران کاوبای صفت امریکائی در کشور ما همواره توأم با جرم و جنایت بوده؛ و تحمیلنامه های ستراتیژیک دیروز و فردا به هیچ وجه مانع اعمال وحشیانه و ضد انسانی آنان علیه مردم بی گناه ما در آینده نیز نخواهد بود. جنایات جنگی و ضد بشری نیروهای اشغالگر امریکائی در افغانستان، عراق، لیبیا و سایر نقاط جهان همه و همه معلول جنگ های استعماری است، که هیچ کس نمی تواند از وقوع و تکرار آن جلوگیری به عمل آرد.

تنها مشتی از شرف باختگان و مزدوران بی ضمیر اند، که از جنایات هولناک بادران «متمدن» خویش در مناطق مختلف کشور ما، طی ده سال گذشته، هیچ گونه شرم و سر افکنگی احساس نمی کنند؛ زیرا منافع خایبانه شخصی، گروهی و حزبی شان با حضور دایمی عساکر بیگانه گره مستحکم خورده است. از جنایات جنگی و ضد بشری بادران امریکائی و ائتلافی خویش در زنگوات، عزیز آباد، شینوار، هلمند، اروزگان، زابل، غزنی، پکتیکا، پکتیا، خوست، کندوز، تخار، ننگرهار، لغمان، نورستان و سایر مناطق وطن عزیز ما هیچ درس عبرت نگرفته اند.

میراث خواران استعمار باید خوب بدانند، که وجود نیروهای متجاوز امریکائی در میهن اشغال شده ما همواره به معنای پشتیبانی از راج و تاراج جنایتکاران تنظیمی، جاسوسان سازمان های استخباراتی، گروه های مافیائی و سایر خاینان وطنفروش خواهد بود. اگر حمایت توپ و تانک این مهاجمان بی بندوبار و جنایت گستر در کشور نمی بود، گروه های جنایت پیشه و غارتگر و وطنفروش در افغانستان چگونه می توانستند برسرنوشت مردم مظلوم و زجر کشیده ما حکومت نمایند؟! از زور همین نیرو های اشغالگر و بی رحم خارجی است، که کرزی، فهیم، خلیلی، دوستم، محقق، سیاف، مسعود، عبدالله، صالح، قانونی، اسماعیل خان، نور، گیلانی، مجددی و عده دیگری از جنایتکاران و خاینان ملی بر جان، مال و ناموس مردم ما معامله گری می کنند.

اگر رهبری کشور در دست یک حکومت واقعاً ملی و مردمی قرار داشته باشد، آنگاه هیچ مجالی برای مداخله و تجاوز همسایگان مغرض، دولت های توسعه طلب منطقه و حتا قدرت های جهانی وجود نخواهد داشت. ما باید چون پدران و نیاکان آزاده و سربلند خویش همواره در امر دفع و طرد دست اندازی های دشمنان و صیانت خاک و ناموس، بر بازوان توانای مردم دلاور و پرغرور خویش اتکاء ورزیم نه نیروهای اشغالگر و جنگ افروز امریکائی، که جز خدمت به منافع مثنی از جنایتکاران، جاسوسان، غارتگران، گروه های مافیائی و غیره کاری به نفع صلح، امنیت و رفاه مردم بی بضاعت این کشور انجام نداده اند.

این صرف صلاحیت یک حکومت با اعتبار ملی و مردمی است تا در صورت لزوم به منظور دفاع و نگهداری مطمئنانه خاک و ناموس، به انعقاد معاهدات و موافقتنامه های ستراتیژیک با دول خارجی مبادرت ورزد، نه حکومت تحمیلی و دست نشانده ای که از هیچ گونه حیثیت ملی و مردمی در میان میلیون ها همشهری خویش بهره مند نیست. به همین جهت است، که «توافقنامه ستراتیژیک» با رژیم مزدور و گماشته شده کابل را باید جای مفاهیم حقوقی نظیر عقد، معاهده، مقوله، پیمان، میثاق، موافقتنامه و غیره، به نام تحمیلنامه و اسارتنامه مسما ساخت؛ زیرا نه طرز انعقاد آن به موافقتنامه بین المللی می ماند؛ و نه هم احکام پوچ و مبهم مندرج در آن .

البته، مخالفت با نیروهای تجاوزگر و فرعون صفت امریکائی و انتلافی را به هیچ عنوان نباید مخالفت با مردم نجیب و بشردوست امریکا یا سایر کشور های غربی تصور کرد؛ چه مردم صلحجو و آزادی دوست ایالات متحده امریکا و سایر کشور های غربی در سنگر مبارزه با تجاوز بی رحمانه نیروهای امریکائی و انتلافی علیه افغانستان و تداوم لشکرگاه های شان در میهن ما دوش به دوش وطندوستان و آزادیخواهان افغان قرار داشته؛ و از بذل هیچ گونه مساعدت انسانی و اخلاقی در این راه دریغ نمی ورزند.

حرف اخیر این که اتکای زمامداران امریکائی بر منطق زورگویی و خودکامگی، خانه ویرانه و درهم شکسته ما را به کانون خونین تر تصادمات و درگیری های منطقه نی مبدل خواهد ساخت . در آتش هولناک این جنگ ها و مخاصمات بیگانه بدون شک ضربات بزرگ انسانی، معنوی و مالی بر پیکر جامعه افغانی وارد خواهد آمد. مقاومت با تدوام چنین جنگ تحمیلی و استعماری نه تنها حق، بلکه وجیبه مقدس هر افغان با ایمان، آزادیخواه و وطندوست است. جز این راه چاره دیگری برای دفاع از آزادی، شرف و ناموس وطن وجود نخواهد داشت. سرانجام پیروزی و سرخروئی از آن آزادیخواهان و میهن دوستان خواهد بود!